



# صدا دوربین معلم ۲

## ← معرفی فیلم

عنوان فیلم: در آستانه فصل سرد

کارگردان: فاطمه مرزبان

قالب: مستند

مدت زمان: ۲۴ دقیقه

## ← معلمان و فرهیختگان گرامی سلام!

به صفحه «دوربین، صدا، معلم» ماهنامه رشد معلم خوش آمدید. همان‌گونه که در مقدمه «دوربین، صدا، معلم» شماره نخست گفته شد، در تلاشیم در این بخش از ماهنامه، فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی مفید را شناسایی و به شما عزیزان معرفی کنیم، چرا که فیلم یکی از ابزارهای جذاب آموزش است که می‌تواند در کلاس درس، قبل، حین یا بعد از تدریس، یاریگر معلمان باشد و در فرایند یادگیری و تعلیم‌وتربیت به دانش‌آموزان کمک کند. اگرچه مخاطبان فیلم‌هایی که در این بخش معرفی می‌شوند، بیشتر آموزگاران، معلمان و دبیران محترم مدرسه‌ها هستند، اما در صورت صلاحدید این عزیزان، فیلم‌ها می‌توانند در کلاس و برای دانش‌آموزان نیز پخش شوند و نظرات و آرای دانش‌آموزان را در خصوص آن‌ها جویا شد.

فیلم‌هایی که در این بخش معرفی خواهند شد، سه ویژگی مهم دارند: نخست اینکه این فیلم‌ها از نمونه آثار پذیرفته شده در جشنواره بین‌المللی فیلم رشدند؛ جشنواره‌ای که هر ساله سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌کند. از این رو، محتوای آن‌ها توسط کارشناسان آموزشی این سازمان ارزیابی شده و علاوه بر آن، فیلم‌سازان و هنرمندان حرفه‌ای جنبه‌های هنری آن‌ها را تأیید کرده‌اند.

دوم اینکه مدت زمان برخی از این فیلم‌ها آن قدر کم است که مدیران محترم مدرسه‌ها می‌توانند از آن‌ها برای پخش در جلسات شورای معلمان مدرسه استفاده و روی نکات مثبت و کاربردی آن‌ها تأکید کنند.

ویژگی سوم اینکه دبیرخانه فیلم رشد آمادگی دارد در صورت درخواست مدرسه‌ها و معلمان گرامی، فیلم‌های معرفی شده را برای آن‌ها ارسال کند. امیدواریم با افتتاح این بخش از ماهنامه و معرفی نمونه فیلم‌های ارزشمند جشنواره فیلم رشد، بتوانیم قدمی کوچک در کمک به سکنداران تعلیم‌وتربیت مدرسه‌ها برداریم.

فرهنگیان محترم، اولیای گرامی و متولیان ارجمند آموزش و پرورش برای تهیه فیلم‌های معرفی شده در این بخش می‌توانند به یکی از روش‌های زیر اقدام کنند:

● تماس با شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۶ (گروه تولید فیلم‌های آموزشی)

● ارسال درخواست کتبی از طریق نشانی الکترونیکی [groohehonari@gmail.com](mailto:groohehonari@gmail.com) (با ذکر نام، شماره تلفن، نشانی دقیق، به همراه کد پستی)

● مراجعه حضوری به نشانی «تهران، خیابان کریم‌خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش، طبقه دوم، اتاق ۵۰۵، گروه توسعه و تولید رسانه‌های دیداری و شنیداری»

## ◀ معلم‌ها باید مراقب رقیب‌های قدرتمند خود باشند!

فیلم مستند «در آستانه فصل سرد» به موضوع کنشگری تربیتی در محیط یادگیری، با تأکید بر مدرسه، معلم و مربی، مدیر مدرسه و دانش‌آموزان، می‌پردازد. این فیلم روایت تلاش‌های یک سرباز معلم روستایی کوچک است. حتماً بسیاری از معلمان با طرح سرباز معلم آشنایی دارند. اصلاً شاید برخی از معلمان بازنشسته یا معلمانی که هنوز در کلاس درس مشغول به خدمت هستند، شغل معلمی را از دوران سربازی خود شروع کرده و به آن علاقمند شده باشند. البته فراموش نکنیم که طبق قانون، استخدام در آموزش و پرورش هیچ ربطی به این دوره ندارد. یعنی شخصی که دو سال به‌عنوان سرباز معلم زمان می‌گذارد، تقریباً نسبت به سایر متقاضیان استخدام در آموزش و پرورش هیچ برتری ندارد.

طرح سرباز معلم از معدود طرح‌هایی است که در ساختار خدمت وظیفه عمومی کشور گنجانده است که گذشته از همه انتقادات وارده، به دنبال استفاده مفید و کاربردی از تحصیلات علمی و دانشگاهی فرد مشمول است. از آنجا که آموزش و پرورش کشور با مشکل کمبود نیرو، به ویژه در مناطق محروم، روبه‌رو بوده و هست، سال‌ها قبل تصمیم گرفته شد از سربازان دارای شرایط تدریس، برای پر کردن خلأ کمبود معلم استفاده شود و این طرح همچنان ادامه دارد.

فیلم زیبای «در آستانه فصل سرد» به کارگردانی فاطمه مرزبان تولید شده و در چهل و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، با اکثریت آرای هیئت انتخاب، برای ورود به بخش مسابقه پذیرفته شده است. شخصیت اصلی این فیلم جوانی به نام **سوران** از اهالی کردستان است؛ سرباز معلمی که قرار است دو سال در روستایی محروم در استان کرمانشاه به دانش‌آموزان سواد یاد بدهد؛ روستایی که زیاد از شهر دور نیست، اما امکانات بسیار محدودی دارد. در واقع تنها امکانات قابل توجه آنجا برق است. سوران خودش معتقد است وظیفه سنگینی بر دوش دارد؛ چون هم سرباز است و هم معلم. و وقتی این دو

کلمه با هم جمع می‌شوند، هیچ چیز برای صاحب آن عادی نیست!

سوران در اتاقکی قابل حمل (کانکس) کوچک و سرد با عنوان معلم چند پایه مشغول به خدمت می‌شود و از آنجا که لهجه‌اش به لهجه دانش‌آموزان و اهالی روستا نزدیک است، خیلی زود با آن‌ها ارتباطی صمیمی برقرار می‌کند و برای رفاه حال دانش‌آموزان و مردم روستا از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزد. او در این فیلم مستند به این واقعیت عینیت می‌بخشد که معلمان انسان‌های ایثارگر و وارسته‌ای هستند و گاه به دور از شهر و دیار و خانواده خود، راهی مناطق دور، محروم و بی‌نام و نشانی می‌شوند که مردمان آن‌ها با کمترین امکانات موجود روزگار می‌گذرانند و در این میان، کودکانشان چشم به راه فرشتگانی انسان‌نما هستند تا از سختی‌ها و ناملایمت‌های زندگی، پله‌های علم و دانش و موفقیت برایشان بسازد.

دغدغه‌های سوران از جایی شدت می‌گیرد که او خیلی زود متوجه معلم دیگری در روستای خود، رقیب قدرتمندی که نه در مدرسه، بلکه در خانه به بچه‌ها آموزش می‌دهد و به آن‌ها هر آنچه را که خود دوست دارد می‌آموزد، نه آنچه را بخشنامه‌های آموزش و پرورش می‌گویند. این رقیب قدرتمند سوران کسی نیست جز دیش‌های ماهواره‌ای، که سوغات شهر هستند برای روستایی دورافتاده؛ روستایی خوش آب و هوا و آرام که جذابیت‌های روستایی‌اش برای خود اهالی هیچ جذابیت و لذتی ندارد.

سوران در کلاس درس و حیاط اتاقکی که بچه‌ها آن را مدرسه می‌خوانند، کم‌کم متوجه تغییر رفتار و گفتار دانش‌آموزان می‌شود و همین نکته نگرانی‌های او را بیشتر و بیشتر می‌کند. به سراغ اهالی روستا می‌رود و در خصوص خطر ماهواره برای فرزندان‌شان هشدار می‌دهد، اما پدرهای روستا، به زعم خودشان، پاسخی منطقی‌تر و محکم‌تر در آستین دارند. واقعیت این است که مردم روستا هیچ سرگرمی و تفریحی برای خود و فرزندان‌شان ندارند. تلویزیون‌هایی که در خانه‌های روستا وجود دارند، تنها دو شبکه را می‌گیرند که یکی از آن دو همیشه

برفک پخش می‌کند و دیگری از ساعت هفت شب به بعد برنامه‌ای برای تماشا ندارد. اهالی مجبورند آنتن‌های تلویزیون خود را بر بالای چوبی بلند ببندند و آن را بر بلندی‌های اطراف خانه خود علم کنند تا شاید برای ساعاتی بتوانند مسابقات فوتبال شبکه سه را تماشا کنند. آن وقت با هیجان شادی کنند و برای تیمی که دوست دارند، هورا بکشند.

سوران که از گفت‌وگو با مردان روستا نتیجه‌ای نیافته است، نامه‌ای به فرماندار شهر نزدیک روستا می‌نویسد و از او می‌خواهد اقدامات لازم را برای احداث یک دکل در روستا انجام دهد تا شاید از این راه مردم روستا بتوانند شبکه‌های استانی و کشوری بیشتری را از قاب تلویزیون دریافت کنند. او منتظر خوانده شدن نامه‌اش در فرمانداری نمی‌ماند و باز هم با یاری گرفتن از عقل و اندیشه‌اش، دست به کارهای دیگری می‌زند. در نهایت، با انجام کار مهم‌تری در این خصوص، به نتیجه‌زحماتی که می‌کشد، امیدوارتر می‌شود. مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی که سوران برای مقابله با این معضل فرهنگی انجام می‌دهد، تعدادی از اهالی را از نصب دیش ماهواره بر بام خانه‌هایشان دچار شک و تردید می‌کند و آن‌ها را به فکر فرو می‌برد. دوره دو ساله خدمت آقا معلم در روستا به پایان می‌رسد. دانش‌آموزان با چشمانی اشکبار او را بدرقه می‌کنند. سوران که پیش‌ترها برای دریافت کمک‌هایی از قبیل آسفالت جاده‌های روستا به مسئولان نامه می‌نوشته، حالا تصمیم گرفته است وقتش را برای پیگیری موضوع مهم دیگری صرف کند؛ تلاش برای گسترش شبکه‌های استانی و ملی در روستاهای محروم و دورافتاده، چرا که به نظر او هویت مهم‌تر از آسفالت جاده‌هاست!

اندیشه و نگاه فاخر **فاطمه مرزبان** در فیلم «در آستانه فصل سرد» بسیار قابل احترام و تحسین است. فیلم او نه تنها معلمان، که همه مسئولان محترم کشور را به این فکر وامی‌دارد که برای هویت این سرزمین تا به حال چه اقداماتی انجام شده‌اند و چه اقدامات دیگری باید انجام شود؟